

# «هوالحكيم»

عنوان:

مهمترین منشاء گرفتاری های بشر



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاسِرِ اَيُّهَا صَاحِبُ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

من يك بحثی رو یادمه مطرح کرده بودم، خارج کشور بود بین جمعی از اساتید و دانشجویان بودم، اون جا بحثی مطرح شد آقا این گرفتاری‌هایی که ما داریم ریشه‌اش چیه؟ اون جا یادمه بحث‌های مفصلی ما کردیم، که آقا يك قسمت از گرفتاری‌هایی که ما داریم واقعاً خودمون مقصریم! کاری انجام می‌دیم باعث می‌شه که خودمون رو تو چاله یا چاهی می‌ندازیم! حالا یا دقت نکردیم، یا می‌دانستیم، حرکت کردیم و در هر حال نتیجه‌اش شد این. اون جا یادمه بحث عدل رو مطرح می‌کردم، شبهاتی که در مورد عدل هست مطرح می‌شد. يك سری از گرفتاری‌ها مطرح کردم که بله! باز جمعیتی ندانم کاری می‌کنن، جمعی به مشکل می‌افتن! می‌گن که يك دیوانه يك سنگی را تو چاه می‌ندازه صدتا عاقل نمی‌تونن درش بیارن! يك مشکلی رو يك نفر به وجود میاره، و شما اگه نگاه نکنید در حمله‌ی مغول‌ها به ایران چقدر کشته شد! شما آمار رو وقتی نگاه می‌کنید در ایران، جمعیت در ارتباط با مغول‌ها چی بود؟ به خاطر این که ندانم کاری بود، به يك کاروان مغول‌ها حمله کردن، کشتن اون‌ها رو، این‌ها هم چی کار کردن؟ تقابل کردن! ریختن و کشتار این جمعیت. خب يك ندانم کاری صورت گرفت.

برای اون کسانی که تقصیر نداشتن به چه صورت هست؟ اینها امتحانه! برای اینها امتحانه. جمعی خلاف می‌کنن، اونها که خودشون حالا گرفتار بشن یا نشن جمعی دیگه هم گرفتار می‌شن، اینها چی می‌شه؟ اینها امتحانه! بالاخره باید تو این شرایط بسازن. یا گاهی اوقات برای اینها ترفیع درجه هست. در این شرایط و سختی‌هایی که قرار می‌گیرن، امتحان که سربلند می‌شن، خود همین امتحان که سربلند می‌شن از این سختی‌ها، خودش ترفیع درجه هست برای اینها. حالا من بحث امتحان رو مطرح کردم، بحث ترفیع درجه رو مطرح کردم، اما خیلی از این مشکلاتی که سر انسان میاد، خود انسان مقصره! وقتی آدم نگاه می‌کنه تو زندگی خودش می‌بینه خیلی از اینها... حالا گاهی اوقات می‌بینه يك مشکل از يك ناحیه‌ای اومد، می‌گه آقا در این مورد تقصیر نداشتم! جایی دیگه تو مقصر بودی، از جای دیگه سونامی به زندگیت وارد شده! این خودش خیلی مهمه! می‌گه در این مورد که من چیزی نداشتم سونامی از کجا اومده؟ جای دیگه‌ای مقصر بودی! لذا فرمودن بعضی از این مشکلات از باب کفاره‌ی گناهانه. کفاره‌ی گناهان! ندانم کاری، گاهی اوقات کفاره‌ی گناهان هست.

اون‌ها چیه؟ این مشکلاتی که به مانند سونامی بر انسان وارد می‌شه چیزی غیر از تخلف از حد و حدود الهی نیست. ببینید اون چیزی که در نصوص دینی ما گفته، این مشکلاتی که سر شماها میاد و گاهی اوقات این مشکل میاد باعث می‌شه که تو زمین هم می‌خوری تو این مشکل! گاهی وقت‌ها مشکلی میاد تو بلند می‌شی! قدرت و قوت بیشتری پیدا می‌کنی! این اتفاقاً این مشکل خیره... این مشکل خیره برای تو. گاهی وقت‌ها مشکل میاد سرت، کفر می‌گی و اصلاً به اضمحلال کشیده می‌شی، به بدبختی کشیده می‌شی! این‌ها چیه؟ این‌ها خودت مقصری! لذا دقت بکنید همه‌ی مشکلات رو نمی‌شه گفت که لطف خداست! بعضی مشکلات عملکرد نادرست ماست و وقتی ما رو به افول می‌رسونه، لطف خدا نیست! این اتفاقاً عکس‌العمل اعمال نادرست توست! حالا من يك سري روايت‌هایی رو می‌خونم کم به کم بریم جلو، این بحث خیلی مهمه! یعنی در مسائل زندگی خودش هم آدم می‌تونه این رو در نظر بگیره.

روایتی که می‌خواهم بخونم اینه: يك روايت در اصول کافی، «بَابُ الذُّنُوبِ». يك بابي داره مرحوم شيخ كليني در مورد ذنوب (گناهان). جلد پنجم، صفحه‌ی ۱۲۳، حديث يازدهم: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع...»

روایت از امام صادق علیه‌السلام: «قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الذَّنْبَ يَحْرِمُ الْعَبْدَ الرِّزْقَ» فرمودند: من شنیدم از امام صادق علیه‌السلام که حضرت صادق فرمودند که گناه محروم می‌کنه بنده را از رزق. رزق اعم هست؛ یعنی رزق مادی باشه یا رزق معنوی باشه. یعنی این‌هایی که در تنگنا قرار می‌گیرن گاهی اوقات می‌بینی گناه داره انجام می‌ده، این رزقش کم می‌شه؛ رزقش محدود می‌شه یا رزق معنویش محدود می‌شه، اون چیزی که می‌خواد به دست نیاره! توفیقِ نسبت به کارهای خوبی که می‌خواد ازش سلب می‌شه! از رحمت خداوند دور شده. کافی جلدهای مختلف به چاپ‌های مختلف داره؛ يك جلدی داریم، دو جلدی داریم، چهار جلدی داریم، شش جلدی داریم مختلف هست. به باب باید دنبال بگردید؛ بَابُ الذُّنُوبِ.

روایت بعدی باز در کافی هست؛

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ...» از امام باقر علیه السلام:

«قَالَ: مَا مِنْ نَكْبَةٍ تُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا بِذَنْبٍ وَ مَا يَعْفُو اللَّهُ عَنْهُ أَكْثَرُ»

امام باقر علیه السلام فرمودند: هیچ نکبتی «مَا مِنْ نَكْبَةٍ» هیچ نکبتی

به بنده نرسد جز برای گناه کردن و آنچه خدا گذشت می کند

بیشتر است.

می خواد بگه این نکبت ها، ببینید نکبت، عموم سختی نیست ها!

این ها خیلی نکات ظریفی هست در روایات! مثلاً ما داریم که مؤمن

خالص وقتی که از مردم فرار می کنه می ره بالای کوه، تو حدیث

داریم گاهی اوقات خداوند يك ماری رو می فرسته انگشت این رو

نیش می زنه این زجر بکشه! یعنی چی؟!

ببینید این نکبت نیست! هر سختی ای نکبت نیست! این برای

مؤمن گاهی اوقات سختی ها ترفیع درجه هست! نکبت چیزی هست

که در سختی که قرار می گیره به تعبیری در اضمحلال کشیده

بشه؛ یا گاهی اوقات فقط سختی نیست ها! گاهی وقت ها ازدیاد نعمت

می شه که غرق بشه در فساد!

از باب استدراج هست جریان؛ نعمت داده می‌شه که این دیگه به همون فرمونی که گرفته حالا تخت گاز حرکت بکنه خودش رو بزنه به دیوار! خودش رو از دره‌ای پرت بکنه! این يك روایت. روایت دیگه باز در همین بَابُ الذُّنُوبِ، در اصول کافی، جلد شانزدهم: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرِمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ، وَ إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ»

حدیث اینه که حضرت فرمودند: بنده گناهی می‌کنه، بر اثر اون گناه از نماز شب محروم می‌شه! لذا این‌هایی نماز شب می‌خونن... نماز شب يك تِستَرِه؛ نماز شب برای يك شیعه تِستَرِه. اون زمان‌هایی که ما بعضی وقت‌ها حالا ریا هم بکنیم بدنِست! بعضی وقت‌ها مثلاً فرض کنیم که فرض محالش که ما يك دو سه شب نماز شب خوندم! حالا دو سه شب ما نماز شب خوندم، گاهی وقت‌ها که بعد دو سه شب دیدیم که مثلاً فرض کن که دیگه نخوندم، فهمیدیم که يك شلوغ‌بازی کردیم! این‌ها يك تِستَرِه هست! می‌شه در نظر گرفت، آلاومه!

حالا فرمودند که به راستی بنده گناهی کنه، بر اثر اون گناهی که کرده از نماز شب محروم می‌شه. و فرمودند به راستی که گناه یا کردار بد، زودتر در کسی که ارتکاب اون کار رو می‌کنه اثر می‌کنه از کارد در گوشت!

يك كارد تيز داری، يك گوشتی رو که داری می‌زنی چی می‌شه؟ بعضی کاردها، کاردهای خاصی هست، این کاردهایی که ما داریم می‌بینی که این گوشت رو همین‌طور...اون کاردهایی که تو قصابی‌ها دارن من يك سري سؤال کردم گفتم آقا کارد تو با کارد ما فرق می‌کنه؟ گفت چه‌طور؟ گفتم کارد، ما هم تیز می‌کنیم تو هم تیز می‌کنی، این کارد چیه که این‌قدر... گفت آقا شما این کارد را به همه چیز می‌زنی، به پیاز هم می‌زنی! اما این کارد فقط مخصوص گوشته! این کارد برای پیاز می‌زنی اون کند می‌شه به تعبیری. حالا این کارد چه‌جوری روی گوشت اثر می‌ذاره؟ فرمودند گناه، سریع‌تر از اون در انسان تأثیر می‌ذاره! یعنی در سرنوشت انسان هم حتی تأثیر می‌ذاره! حالا يك مقدار جلوتر می‌ریم می‌بینیم که چه‌طور اون روایت‌هایی که در مورد سرنوشت هست رو توضیح بدیم.



يك روايتی من امروز دیدم، یعنی من تا حالا این حدیث رو ندیده بودم؛ يك مطالعه کردم این نشون می ده که همهی مطالب مال قبل نیست، برای این کلاس يك مطالعه کردم فکر کنم همین يك حدیث رو در مورد این احادیث که الان دارم جدید مطالعه کردم. حدیث در جلد چهارده بحار است، صفحهی ۳۷۷. این حدیث به درد شما می خوره. حدیث از پیامبر است

فرمودند:

«اتَّقُوا الذُّنُوبَ...»

از گناهان دوری کنید.

«فَإِنَّهَا مَمْحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَنْسَى بِهِ الْعِلْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ عَلِمَهُ»

حضرت فرمودند: از گناه دوری کنید زیرا گناهان خوبیها را محو می کند، همانا بنده گاه گناه می کنه و به سبب اون دانشی که آموخته فراموش می کنه.

خیلی مطلب عجیبه ها! گاهی وقت ها يك سری علوم ما آموختیم، علمی که شما بیاموزی، علمی که نافع باشه، توفیقیه! شما تو ذهنت هست. گاهی وقت ها گناه باعث می شه يك سری از علمی که به تو اعطا کردن این ها را فراموش می کنی! در روایت هم داریم که می گه آفت علم، نسیان هست، نسیان اون علمه! این آفت علم، نسیان علمه! حدیث از آقا حضرت امیر داریم در غررالحکم. پس ببینید این مسأله هم مطرح شده و حالا این گناه، کار رو به کجا می رسه؟ در سوره ی مبارکه ی روم آیه ی دهم: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ»

فرمودند: سرانجام کار کسانی که بدی کردند این شد که آیات ما را تکذیب نمودند و به آن ها استهزاء می کردند. می گه آقا چه طور می شه يك نفر همه چیز رو به مسخره می گیره به بازی می گیره؟! می گه گناه روی گناه! گناه روی گناه! این طور می شه اول آیات رو تکذیب می کنه بلکه این ها رو به مسخره می گیره! دین رو به مسخره می گیره!

سرانجام کسانی که بدی کردن، کار بد انجام دادن، مطلق هست، این آیهی قرآن هست می‌گه که سرانجام کسانی که کار بد انجام دادن اینه که به این‌جا می‌رسه آیات ما رو تکذیب می‌کنن حتی به سخره می‌گیرن.

و آخرین حدیث هم از آقا حضرت امیر بخونم، غرر، حدیث ۱۸۹۰، فرمودند:

«الذُّنُوبُ الدَّاءُ...» گناه بیماری است؛

«و الدَّوَاءُ الاسْتِغْفَارُ...»

دوای اون چیه؟ استغفار، طلب آمرزش؛ اسْتَغْفِرُالله بگه؛ «اسْتَغْفِرُالله رَبِّي وَ اتُوبُ إِلَيْهِ». «و الشِّفَاءُ أَنْ لَا تَعُودَ» خب دواش چی؟ استغفاره؛ شفا چیه؟ اینه که دیگه به گناه باز نگردی! یعنی چی؟ یعنی شما داری گناه می‌کنی خب حالا می‌خوای دارویی بخوری، دارو اینه بگو خدایا غلط کردم! دیگه این کار رو نمی‌کنم! حالت قلبی هم داری. اما اگه بخوای شفا پیدا بکنی اینه که دیگه به اون گناه برنگردی! چون اگه برگردی دوباره اون مریضی میاد، اون بیماری دوباره میاد سر جای اولش!